



استرپ در سریال «اصلاحات»

چند روز پیش صحبت‌های مرلی استرپ درباره نقض حقوق زنان در افغانستان خبرساز شد. اینک خبر رسیده که او قرار است به زودی در سریال تلویزیونی «اصلاحات» که اقتباسی از رمانی به همین نام به قلم جانان فرانتز است، حضور داشته باشد. فرانتز که رمان‌های او چون «تقاطع»، «پاکی»، «آزادی» و «شهر بیست‌وهفتم» از جمله رمان‌های پر فروش بوده، خود نیز نوشتن فیلمنامه سریال «اصلاحات» را برعهده گرفته است. این رمان در سال ۲۰۰۱ منتشر شد و داستان زوج سالمندی است که در تلاش هستند با کمک سه فرزند بزرگسال خود جشن کریسمس را برگزار کنند. پیش از این البته تلاش‌هایی برای ساخت فیلمی سینمایی از این رمان آغاز شده بود، اما به نتیجه‌ای نرسیده بود. اینک اما اگر چه سرویس یا شبکه‌های پخش به این پروژه ملحق نشده است، اما امیدواری‌های زیادی به انجام این پروژه وجود دارد. استرپ به تازگی برای کمپدی «فقط قتل‌های در ساختمان» نامزد گلدن گلوب و امی شده بود.



حراج آنلاین تهران

بیست‌ویکمین دوره حراج تهران با عرضه ۱۴۰ اثر به شیوه آنلاین (برخط) برگزار خواهد شد و آثار هنرمندانی همچون صادق تبریزی، منیر فرمانفرمایان، آیدین آعداشلو، پرویز تناولی، فریده لاشایی، جعفر روحبخش، مسعود عربشاهی، کوروش شیشه‌گران و داوود امدادیان در این رویداد چکش خواهد خورد. رقم نهایی بیست‌مین دوره حراج تهران ۱۹۴ میلیارد تومان بود در حراج حاضر اما برآوردها حکایت از آن دارد که اثر بدون عنوان منیر فرمانفرمایان به شیوه آینه‌کاری، نقاشی پشت شیشه و گچ روی چوب مربوط به دهه ۱۳۵۰ بین ۱۰ تا ۱۲ میلیارد تومان به فروش خواهد رفت. از دیگر آثار گران این دوره همچنین می‌توان به تابلوی «تابستان، زمستان از مجموعه مغربی‌ها» (با برآورد بین ۹ تا ۱۰ میلیارد تومان) و اثر رضا درخشانی با عنوان «روز و شب را می‌شمارم، روز و شب» (با برآورد ۸ تا ۹ میلیارد تومان) اشاره کرد.

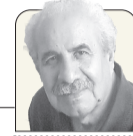
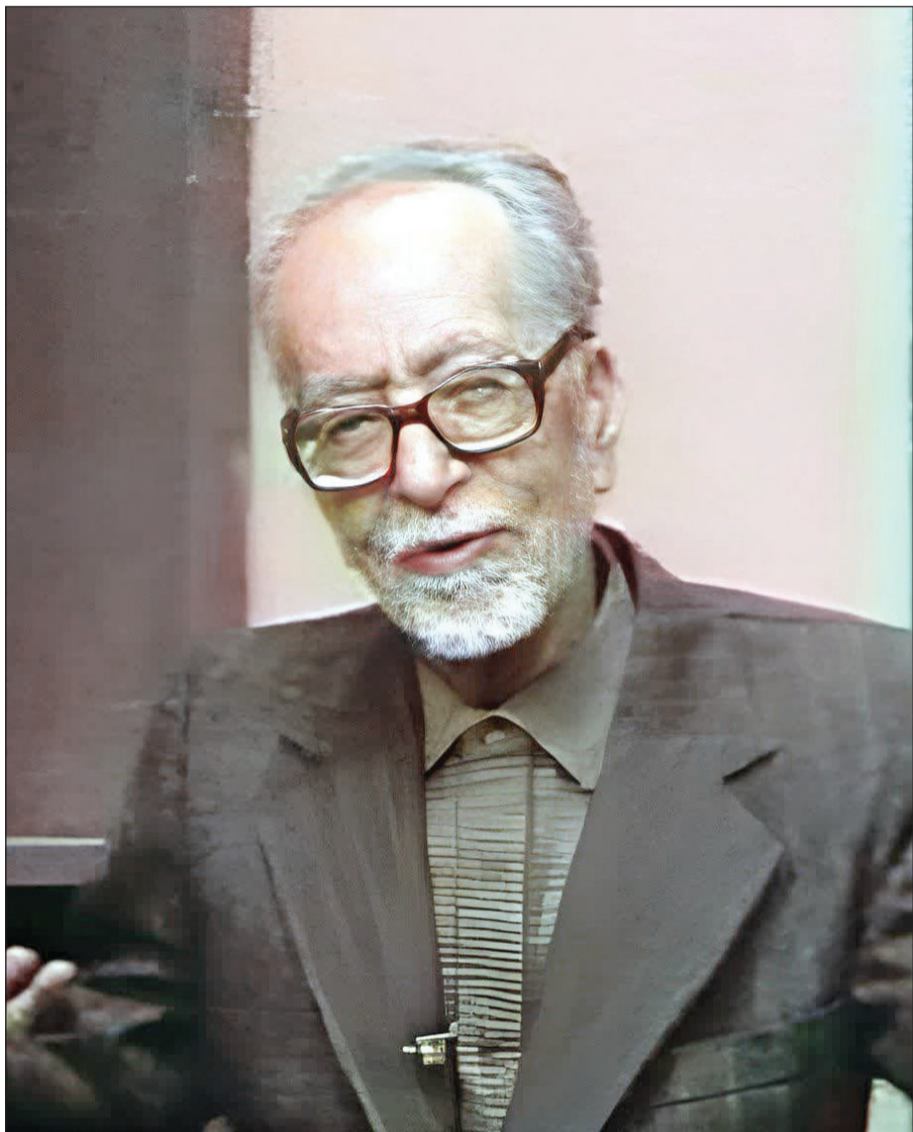


کتاب‌های طالقانی در بازار کهنه‌فروشان

چندی پیش رسول جعفریان در توتیتی از دیده شدن کتاب‌های کتابخانه آیت‌الله طالقانی در بازار کهنه کتاب خبر داد. همین امر واکنش خانواده طالقانی را در پی داشت. طاهره طالقانی خواستار آن شد که اگر شهرداری توان نگهداری خانه را ندارد، آنها خود از میراث‌شان حفاظت کنند. ابوالحسن طالقانی نیز از تعطیلی یک‌ساله این خانه و تبدیل شدن آن به «رهاخانه» سخن گفت. اینک گزارش تسنیم نشان می‌دهد اختلاف میان ناظر سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران و پیمانکاری که مسئول مرمت ساختمان بوده است، باعث شده شهرداری دستور پلمب کتابخانه را بدهد تا تکلیف مرمت مشخص شود. این خانه در منطقه پیچ‌شمیران قرار دارد و در اوایل دهه ۱۳۴۰ و به هنگام مجوس بودن آیت‌الله طالقانی خریداری شده بود و بعد از آزادی از زندان، به کانون انقلاب بدل شد.

فلسفه یا کولاز؟

نگاهی انتقادی به منش و نگرش احمد فردید و نسبت او با هایدگر



موسی اکرمی
استاد فلسفه

جلسه نقد و بررسی کتاب «سنجش پیامدهای هستی‌شناسی هایدگر، نقد خوانش احمد فردید»، نوشته احسان شریعتی و ترجمه امیررضایی، چندی پیش در ساختمان نشر نی برگزار شد. نام هایدگر، فردید، احسان شریعتی، نشر نی و نام‌های دیگر سخنرانان، شمار زیادی از مشتاقان را به جلسه کشانده بود تا شنونده نکات خوبی باشند که در فرصت‌های نسبتاً اندک مطرح شدند. برخی از نکته‌ها اما چنان بودند که من دوست داشتم تذکرها را در پیوند با آن‌ها داده شوم تا مبادا ناآشنایان احتمالی حاضر در جلسه یا ناآشنایان احتمالی غایبی که پس از این به آن سخنان دسترسی خواهند یافت پرسش‌ها، ابهام‌ها و برداشت‌های ناواقع‌بینانه‌ای داشته باشند. در ادامه به برخی از این نکات اشاره خواهم کرد.

کتاب، همان‌گونه که در مقدمه مترجم نوشته شده است و در جلسه نیز مطرح شد رساله دکتری احسان شریعتی است که با عنوان «هایدگر در ایران»، در سال ۲۰۰۷ در فرانسه از آن دفاع شده است. پیش از این که من خود را درگیر خواندن سنجشگرانه کتاب و نوشتن احتمالی مقاله‌ای کنم لازم می‌دانم بگویم، گذشته از این که محتوای کتاب با همان عنوان «هایدگر در ایران» انطباق دارد یا نه، انتظار می‌رود نام برگزیده «سنجش پیامدهای هستی‌شناسی هایدگر: نقد خوانش احمد فردید» از بیشترین انطباق با محتوا برخوردار باشد. داوری درباره میزان چنین انطباقی را به خوانندگان کتاب و مقاله سنجشگرانه احتمالی خود واگذار می‌کنم. ضمن سپاسگزاری خدمت جناب امیر رضایی، از آنجا که اولاً حدود ۱۷ سال از نگارش رساله می‌گذرد و در این مدت درباره هایدگر و فردید آثار بیشتری منتشر شده‌اند، ثانیاً متن اصلی رساله برای مخاطب فرانسوی نوشته شده بوده است و ثالثاً نویسنده از چیرگی در خور به هر دو زبان فرانسوی و پارسی برخوردار است، من انتظار داشتم خود دکتر شریعتی یا کتاب را دوباره در زبان پارسی، به‌ویژه برای مخاطب پارسی‌زبان، تألیف کنند یا شخصاً کتاب را ترجمه کنند یا مقدمه مفصل جدیدی بر کتاب بنویسند. امیدوارم در چاپ دوم کتاب شاهد ویرایش احتمالی و مقدمه جدید باشیم.

لزم سنجش مستوفای پیامدهای هستی‌شناسی هایدگر

می‌دانیم که هایدگر با بازشناخت هستموند از هستی یا آنتیک از آنتولوژیک فلسفه خود را بیشتر هستی‌شناسی بنیادین Fundamentalontologie می‌داند. اگر بپذیریم که اصولاً می‌توان تعبیر فلسفی «هستی‌شناسی» را با تعریف کم‌وبیش معمول در سنت فلسفه، به‌ویژه در فلسفه غرب - یعنی «شناخت فلسفی انسان از سرشت هستی» - برای فلسفه متافیزیک‌ستیز و حتی فلسفه‌ستیزی چون هایدگر به کار برد، آن‌گاه از نویسنده انتظار می‌رود بر پایه عنوان کتاب ۱- این هستی‌شناسی را به‌گونه‌ای مستوفاً بشناساند، ۲- خواننده را با خوانش فردید از این هستی‌شناسی آشنا سازد، ۳- پیامدهای آن را بسنجد و ۴- خوانش فردید را نقد کند. بر پایه آنچه در جلسه گذشت، و با نگاهی گذرا به فهرست کتاب و دو بخش اصلی هایدگر و فردید، به نظر نمی‌رسد که این خواسته‌ها به‌گونه‌ای در خور برآورده شده باشند. آنچه در سخنان مترجم و نویسنده در این باره گفته شد، تنها به تقدیرگرایی برآمده از تاریخی‌انگاری آن هستی‌شناسی و روی‌آوری هایدگر و فردید به اقتدارگرایی اشاره شد که هرگز پاسخگوی مخاطب پرسشگر عطش‌ناک فهم دقیق پیامد آن هستی‌شناسی، حتی در حوزه فلسفه سیاسی، نبود و نیست.

فردید: فیلسوف یا فیلسوف‌ستیز؟

در کتاب و در سخنان سخنرانان از احمد فردید چونان «فیلسوف» یاد شد. نخست باید گفت من می‌پذیرم که احمد فردید دغدغه‌هایی برای درک هستی، انسان، تاریخ، سنت و رویارویی با مدرنیته و ایفای نقش فکری در جامعه داشته، در معاشرت با شمار زیادی از اندیشه‌ورزان و روشنفکران هم‌روزگار خویش قرار گرفته، از متون فلسفی پارسی، عربی، فرانسوی و احتمالاً آلمانی بهره‌ها برده و با غرق‌شدگی در دریای اندیشه بزرگانی از فلسفه و عرفان، همچنین جست‌وجوی ذوقی در ریشه‌شناسی واژه‌های فلسفی عربی، پارسی و غربی دریابنده لمعانی از برابر دیدگان ذهن خود بوده است. ولی من تأثیرگذاری‌های او بر شماری از هم‌نشینان و مریدان او را



کسانی چون فروزانفر استاددیدگانی بودند که با تالیفات گرانقدر خود نشان دادند که به راستی استاد و استادپرورند. آن کارنامه آموزشی و پژوهشی فردید اما باعث شده بود که تقریباً هیچ‌یک از دانشجویان فردید به‌نیکی از کلاس‌های او یاد نکنند

(با چشم‌پوشی از جامعه‌شناسی و روان‌شناسی آنان) پیش و پس از انقلاب بیشتر ویرانگر می‌دانم. اینک باید بگویم هر برداشتی از فلسفه داشته باشیم (بر پایه تعریف صریح یا ضمنی همه دستگاه‌های فلسفی و اندیشه‌های کسانی که در سنت فلسفی، به‌ویژه سنت فلسفی غرب و سنت فلسفه در جهان اسلام می‌اندیشند) من فردید را فلسفه‌ستیزترین فردی می‌شناسم که در تاریخ آموزش فلسفه، به‌ویژه فلسفه دانشگاهی دوران جدید، ظهور کرده است. اگر کم‌وبیش با این سخن وایتهد موافق باشیم که کل تاریخ فلسفه غرب (و توسعاً حتی فلسفه باصطلاح اسلامی) ذیل فلسفه افلاطون و در تأیید یا ابطال آن قرار دارد و باتوجه به نقش سقراط در فلسفه افلاطون و فلسفه پساافلاطون، با چه تعریفی می‌توان فردید را فیلسوف خواند در حالی که فردید ۱- سقراط را مسیلمه کذاب فلسفه می‌داند؟ ۲- افلاطون را کاتب مسیلمه کذاب می‌داند؟ ۳- کسانی چون پورسینا و فارابی را، به سبب توجه آنان به سنت یونانی فلسفه، زندیق می‌داند؟ و ۴- ابن عربی و ملاصدرا را، به سبب بهره‌گیری از استدلال فلسفی، کورکننده دو چشم تصوف می‌داند؟

میزان تحصیلات آکادمیک فردید

شاید شماری از شنوندگان و خوانندگان گمان برند که فردید نه‌تنها تحصیلات آکادمیک داشته بلکه حتی شاگرد هایدگر یا دست‌کم هم‌سخن یا او بوده است. چنین گمانی خطاست. او به‌رغم حضور حدود هشت سال در فرانسه و چند ماه در آلمان، به‌جز لیسانس ادبیات دارالمعلمین عالی پیش از سفر به خارج هیچ مدرک دانشگاهی دیگری نداشته است. آشکار است که نمی‌توان فردید را با بسا استادان دیگر فاقد تحصیلات عالی آکادمیک مقایسه کرد زیرا آنان تجربه استادان بزرگی را داشتند در حالی که فردید فاقد پیشینه شاگرد نزد استادان بزرگ بود.

مقام فردید در ترجمه و تألیف آثار فلسفی

شاید شماری از شنوندگان و خوانندگان گمان برند که فردید مؤلف و مترجم توانایی بوده است. اینک کارنامه او را در تألیف و ترجمه بررسی رسید. ۱- تألیف: فردید پیش از سفر به فرانسه برای تحصیل، کمتر از ۱۰ مقاله، از دو صفحه‌ای تا تقریباً حدود

۱۵ صفحه‌ای، نوشته است که مهمترین آن‌ها عبارتند از: یک مقاله درباره برگسون (در دو بخش در بهمن‌ماه ۱۳۱۶ و فروردین‌ماه ۱۳۱۷) و یک مقاله با عنوان «از کانت تا هایدگر» (در دو بخش: یکی با عنوان فرعی «از آلبرت کبیر تا کانت» در ماهنامه سخن، سال دوم، شماره سوم، اسفندماه ۱۳۲۳، ص ۲۰۱-۱۹۳ و دیگری با عنوان فرعی «درآمد به فلسفه معنوی کانت» در ماهنامه سخن، سال دوم، شماره پنجم، اردیبهشت‌ماه ۱۳۲۴، ص ۳۷۶-۳۷۰): قرار بوده است این مقاله با «معرفی فلسفه وجود وجدانی مارتین هایدگر به پایان» رسد، ولی ظاهراً مقاله تمام‌مانده و به هایدگر نپرداخته است. طرفداران فردید، این مقاله، با چنین نامی را نشانه نخستین معرفی هایدگر به ایرانیان از سوی فردید می‌دانند. با چشم‌پوشی از کیفیت و زبان این مقاله می‌توان احتمال داد که اولاً این مقاله‌ها تألیفی نباشند یا دست‌کم نقش ترجمه در آن‌ها بسی بیشتر از نقش تألیف باشد؛ ثانیاً حتی اگر فردید برای نخستین‌بار نام هایدگر را در مطبوعات ایران به کار برده باشد او از طریق آرنی کربن، نخستین مترجم هایدگر به زبان فرانسوی، با هایدگر آشنا شده بوده است. کربن در ۱۳۱۴ «آواز پر جبرئیل» سهروردی را به فرانسه ترجمه و در ۱۳۱۸ کتابی درباره سهروردی نوشت و منتشر کرد. ایرانیان از این متون آگاه بودند. کربن از تابستان ۱۳۲۴ ساکن ایران شد و در آبان‌ماه به دعوت انجمن ایران‌شناسی، سخنرانی‌ای با عنوان «روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران» داشت. او بر کسانی چون فردید در آشنایی با هایدگر، همچنین در خوانش ویژه - هم از فلسفه هایدگر، هم از فلسفه اشراق و هم خوانش این دو در افق دیگری - تأثیر گذاشت. در هیچ‌یک از مقاله‌های بااصطلاح تألیفی فردید، هیچ نشانی از اندیشه‌های خاص او وجود ندارد؛ مقاله‌هایی که همه آن‌ها در چندی و چونی نشان‌دهنده چنان کارنامه ضعیفی برای یک قلم‌به‌دست‌اند که - به‌ویژه در روزگاری که دکتر تقی ارانی‌ها و محمدعلی فروغی‌ها در فلسفه قلم می‌زده‌اند - نه‌تنها هیچ افتخاری بر نامی انگیزند بلکه در مواردی رسوایی آوردند. فردید از ۱۳۲۵ تا بازگشت از فرانسه و پس از آن، تا هنگام مرگ، دیگر هیچ مقاله‌ای ننوشت. پس از انقلاب دو، سه مطلب کوتاه به نام او منتشر شدند که حتی اگر به محتوا

